دعا که بعد از هر فریضه و در وقت کرب و شداید بخواند برآورده شود

انت الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم الهی بحق الحمید محمد رسولک و علی وصی رسولک و فاطمة بنت رسولک والحسن والحسین سبطی رسولک و بعزة جلالک و جمالک الکریم صل علی محمد و آل محمد واجعل لی مما انا فیه فرجا و مخرجا قریبا سریعا برحمتک انک لا یضیق من شیء بقدرتک الیه لا یتلکا باجابتها شیء فی السموات ولا فی الارض بحجة حاجت ترعی

در هر صباح صد مرتبه بخواند حمداً لک رب نجنی منک فلاح شکراً لک فی کل صباح و مساء من عندک فتح کل باب و فتوح افتح لی ابواب فتوح یا فتاح

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتست که بگوید در هر روز صد مرتبه لا اله الا الله الملک الحق المبین از برای امان میشود از فقر و بدی در حفظ

بگوید در وقت خواب سبحان الله ذی الشان دائم السلطان عظیم البرهان و بعد از آن بگو یا مشبع البطون الجائعة و یا کاسی الجنوب العاریة و یا مسکن العروق الضاربة و یا منوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة و ائذن لعینی نوما عاجلا

هر کس نزد ما نده باشد در کاری که هیچ کس بفریاد او نرسد یا در دست ظالمی گرفتار باشد باید این اسم را هر روز نود و نه بار یا صد مرتبه بخواند البته صاحب دعوة باشد هر چه از خدا تعالی بخواهد اجابت کند انشاء الله

یا غیاثی عند کل کربة و معاذی عند کل شدة و مجیبی عند کل دعوة

دعای ... برای حصول حوائج صد مرتبه بعد از نماز صبح بخواند مجرب است ...

HACI MAHMUD EFENDİ
BEŞİKTAŞ
Yazma Kütüphanesi
T.C.
٢١٩

شرح دعای صباح از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که هر که بخواند این دعا را بعد از
فریضه از جهت هر حاجت که بخواند باجابت مقرون شود اگر عالم پر از بلا باشد ضرری باو
نرسد و در نظر خلایق معزز و مکرم باشد و دشمن براو غالب نشود و اگر کسی خواهد که باو بدی کند
بخودش بر گردد و بدهد خدا تعالی باو هزار هزار حسنه و محو کند از او هزار هزار سیئه
و بلا ... از طاعون و وبا و موت فجاة و برسد باو رزق از جائی که گمان نداشته باشد و بیرون
برود از دنیا با ایمان و هر گاه از قبر بیرون رود فرشته بر سر قبر او ایستاده باشد با براق
که او را سوار کند و به بهشت رساند و هر که با اعتقاد صحیح این دعا را بخواند هرگز خدا
تعالی او را ذلیل و فقیر دنیا و آخرت نگرداند و اکابر دهر با این دعا مداومت کرده اند
و گویند این دعا را مفتاح الفتوح و رموز الکنوز نامیده اند و یکی از اعاظم علما
گفته که در نجف دیدم مکتوب بخط حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که این دعا ست
که بمن تعلیم کرده رسول خدا صلی الله علیه و آله با این دعا مداومت مینمودند در هر صباح
و در هر کربت و نوشته این دعا را علی بن ابی طالب علیه السلام در آخر روز پنجشنبه ... ست
سال بیست و پنج از هجرت شرح دعای سمات و سمات بکسر سین یعنی علامتها
که گویا که بجهت آن سمات با این اسم نامیده است که علامتهای اجابت در این ظاهر و هویداست
و در آخر ساعت روز جمعه وقت خواندن آنست و از محمد بن ... مرویست
که گفت من دعائی نکردم با این دعا در حاجتی هیچ مشکل مگر آنکه بزودی باجابت
رسید و این دعا را عثمان بن سعید عمری وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
مرویست و از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است این دعا را از علما نوشته
و مخزونست پس بخوانید این دعا را از برای حاجتی که شرعی باشد نزد خدا تعالی
مکروه باشد و اظهار مکنید این دعا را به سفها و اطفال و اهل ظلم و هم از آنحضرت
مرویست که اگر قسم خورم که در این دعا اسم اعظم است هر آینه راست گفته خواهم بود
پس نفرین بکنید با آن کسی که ظلم بر ما روا داشته و غصب حق ما و ... را
خواسته و بسیاری از اکابر دین این دعا را مداومت عمل نمودند در هر عصری نیز
مداومت مینمایند و گفته اند که خواندن این دعا در ... جمعه ... مجربست
در حصول مطالب و کسی که نتواند خواند باید که بنویسد با خود دارد که اثر عظیم
دارد و شرح این دعا بسیار است ولیکن مختصر شد تا خواننده ... گردد
ملال نگیرد سید بن طاوس و دیگران بسندهای معتبر از امام محمد باقر علیه
السلام روایت کرده اند که روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
با حضرت امام حسین

با حضرت امام حسین علیه السلام گفت که ای فرزند البته تقدیرات خدا در حق تو جاری خواهد
بهر نحو که مصلحت داند پس عهد کن با من که رازی با تو بگویم با کسی نگوئی تا دوازده ماه
از شهادت من بگذرد ترا چیزی بدهم که اصلش از خداوند عالمیان غیب است و آن
دعائیست که ترا تعلیم مینمایم که هر بامداد و پسین بخوانی تا مشغول نوشتن ثواب
این گردند هزار هزار ملک که هر یکی را خدا قوت هزار هزار کاتب عطا کند
از سرعت کتابت و موکل گرداند باستغفار از برای تو هزار هزار ملک که هر یکی او
هزار هزار استغفار کنند بعد از آن بنا کند برای تو هزار هزار قصر که در هر قصری
هزار هزار خانه باشد که همسایه جدت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دار السلام
و در جنت عدن برای تو هزار هزار شهر
برای تو خانه بنا کنند که همسایه اهل خود باشی ... گوید که هر صاحب من هیچ فرح
بنا کنند با تو از قبر تو تا همه محشور شود و سخن گوی برای تو سخن گوید ... و شهادت از دنیا
و خوف نیست بر صراط نلغزد و ... و هرگز ترا در دنیا بر فقر و برنج و تنگدستی
مفارقت کنی و سعادتمند زندگانی کنی و هر حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت بطلبی
و دیوانگی و بلاهای بد از دور ... و بعد از هر نفسی از نفسهای
برآورده شود و بیابی هر کار که بروی ترا میسر گردد ... گناه محو شود و هزار هزار
جن و انس برای تو هزار هزار حسنه نوشته شود و هزار هزار ... و فردوس
درجه بلند شود و موکل گردانند برای استغفار کردن او برای تو ... که این دعا را
تا روزی که محشور شوی و نزد عرش الهی ... پس عهد کن با من که این دعا را
تعلیم نکنی تا وقت وفات خود چون نزدیک وفات تو شود تعلیم نکنی مگر اهل بیت
و شیعیان خود را زیرا که اگر بدیگران تعلیم نمائی حاجتهای بد از خدا طلبند و روا شود
و میخواهم که این فضیلت مخصوص شما شود و چون محشور شوید خفی و اندوهی باشما نباشد
و باید در هنگام خواندن این دعا با وضو باشی و روی تو بجانب قبله باشد
و اگر روز جمعه بعد از نماز عصر بخوانی بهتر است خواجه نصیر الدین الطوسی قدس الله سره
میفرماید که در روزگار مستعصم خلیفه بغداد مدت ... از ده سال ریاضت
کشیدم از فنون علوم کتابی تألیف کردم برسم تحفه نزد بردم و خلیفه
در کشتی نشسته بود در شط بغداد عشرت مینمود و ملازمان خبر کردند

خبر کردند کتاب را طلبید و چون در آن ذکر ائمه و اهل بیت علیهم السلام بنظر در آورد
همه را پراکنده ساخته در آب انداخت و این فقیر را خفیف ساخت از این غصه
جوانی من بپیری مبدل شد و سوگند خوردم که پهلو بر زمین نگذارم و از نان و آب
سیر نخورم تا دمار از روزگار بنی عباس بر نیارم و از هر جا تحقیق کردم
تا شنیدم که از ماوراء النهر اولاد چنگیز یکی خروج کرده بدان جهت روانه
شدم و در اثنای راه جمال با کمال حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
و حضرت شاه اولیا علی المرتضی علیه الصلوة والسلام را در خواب دیدم فرمودند
اگر خواهی که مقصود تو حاصل گردد دعائی در فضائل ائمه اثنی عشر علیهم السلام
املا کن و ورد خود ساز متوجه شدم و این ورد را ترتیب دادم و مداومت
میکردم تا بسمرقند رسیدم و باین پادشاه تقرب جستم و او را بهمراه بسیار ببغداد
آوردم محاصره کردم تا آنکه باندک زمانی خلیفه را با تمام اولاد بقتل در آوردم
چنانچه از ایشان اثری باقی نماند و بعضی چنین روایت کرده اند که خواجه مزبور
بیان نمود که مدت مدید و عهد بعید سعی بسیار کردم چهار صد مجلد کتاب از تصانیف
رواة ائمه صلوات الله علیهم در اطراف و اکناف عالم بهم رسانیده در یک مجلد جمع کرده
تالیف نمودم از برای خلیفه بغداد در وقتی که در کشتی نشسته بود و از دجله گذار
میکرد کتاب مزبور را بآن شقی بردند چون ذکر ائمه علیهم السلام را دید
کتاب را پراکنده ساخت و در آب انداخت چون چنان دیدم آسمان
بر چشم من خیره و زمین تیره گردید از آنجا روانه شدم بمنزل خود رفتم و از فرط
غضب و تحیر و کینه شبی بعد از نماز تضرع و زاری بسیار بدرگاه حضرت پروردگار و اظهار
حیرت کردم و بشکستگی بدرگاه خدا نالیدم و در آن اثنا بخواب رفتم نور حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام را مشاهده نمودم و این دوازده امام را بزبان
گوهر نثار بر خوانده گفتند بفلانی یاد گیر بخوان که خدا تعالی ترا بر دشمن
مسلط خواهد کرد چون بیدار شدم مرا در خاطر بود پاره کاغذ برداشتم

نوشتم و هیچ خلاف نکردم و از در بغداد و مدتی بگذشت که بمطلب رسیدم
و بر دشمن ظفر یافتم و آنچه بمن رسید از علم و کمال و فضل و جلال و ترقی
در امور آخرت و جاه و عزت و خیر دنیا و آخرت بسبب این دعاء عدیم المثال
بود و مداومت این دعا هر بامداد و شبانگاه بنیت هر مرادی که باشد
بتوجه تمام بخواند که باجابت مقرون است و سید داماد قدس الله روحه
فرمودند که اگر این دعا را هر روز یکبار بخوانند و نزد سلاطین و امرا روند
حرمت و عزت یابند و اگر بر بیمار خوانند البته شفا یابد و اگر کسی
در میان لشکر یا جماعتی که ستمکار باشند گرفتار شود این دعا را بخواند
البته خلاص شود و داعی از بعضی عزیزان شنیدم که فرمودند که از جمله
رؤیاهای حسنه آنکه مردی را دیدم که اثر ابهت و جلالت در جبین او ظاهر
بود مرا گفت در فلان ساعت از فلان روز بدین تاریخ وفات
نیست مگر آنکه بدوازده امام خواجه روح الله روحه مداومت نمای
و از آنروز یکروز از من فوت نشد تا روز موعود بهمان ساعت که فرموده
بود سوار میگذشتم اسب بسر در آمد بیفتادم و سرم بشکست و بیهوش
گشتم رفیقان مرا بخانه رسانیده بودند وقتی که بهوش آمدم خود را
در خانه دیدم و از آن تاریخ تا حال مدتی هست که ترک مداومت نکرده ام
و تزاید عمر خود را از برکت مواظبت این دعای بزرگوار میدانم و فقیه نورانی
و عالم ربانی نعمة الله الحسینی نور الله مضجعه آورده که این دوازده امام
منشأ سعادات دینی و دنیاییست و مشاهده از خواجه معین الدین اصفهانی
آورده که او گفت شبی در عالم رؤیا دیدم که در یکی از ضرایح مقدسه
ایستادم زیارت میکنم دیدم که بر در ضریح خطی نوشته اند متوجه
آن شدم دیدم که آن دوازده امام خواجه نصیر علیه الرحمة است و دعای
نوشته با او ملحق شده بخواندن آن شروع کردم شخصی را دیدم که اثر ابهت
و جلالت و وقار در روی او ظاهر بود مرا گفت هیچ میدانی که این چه خواص

خواص دارد گفتم بنده فدای تو شوم گفت خواص او زیاد از آنست که در دفتر
گنجد از جملهٔ آنکه دشمنان را دفع کند و خوانندهٔ این دعا بغایت معتبر شود
و روزی بر او فراخ گردد آنگاه فرمود که این ختمی دارد و ناپدید شد متحیر شدم
و در ماندم که آیا ختم این چگونه باشد در اثنای حیرت باز نظرم بدان
ضریح مبارک افتاد در آن ضریح خط که در اول بنظر آمده بود ندیدم عینی
دیدم که شکل هندسه نوشته شد که متعجب شدم و ندانستم که این چه سر است
که باز آن شخص مبارک پیدا شد و گفت ختم این بدین طریق است که از روز شنبه
شروع کند و هر روز یازده بار بخواند و در ابتدای شروع غسل حاجت بجا
آورد بعد از غسل هرگاه شروع کند با وضو باشد و جامهٔ پاک بپوشد و طیب
همراه داشته باشد و انگشتری عقیق یا فیروزه در دست داشته باشد و اگر
در مسجد باشد بهتر است تا روز جمعه آنگاه که یازده بار هر روز تا یکهفته خوانده
شود کفایت است ولیکن بعد از ختم هر روز یکمرتبه خوانده شود آنگاه
که باین عمل شروع کردم هنوز تمام نشده بود که اثر از رمز ظاهر شد و از این
مدت تا حال چهارده سال است که یکروز از من فوت نشده است
هر روز اثری بهتر و خواص از آن مشاهده نموده و میکنم
و اشتهای خود را روز بروز زیاده می بینم و همین باعث ترقی امور
دین و دنیا من شد بعضی از اوتاد دین قدس الله ارواحهم نقل
کرده اند که نزد خواجهٔ مزبور میخواندم تا آنکه روزی حکایت
از سر دوازده امام مستور بر آمد خواجه فرمود که این ختمی
دارد و طریق ختم او اینست که از روز دوشنبه شروع کند
تا یکشنبه تمام شود آنگاه هر روز یکمرتبه بخواند من چنین خواندم
و از آن نفعها دیدم و این دعای توسل ملحق باین دعا
کرده شد دعای الاستفتاح و دعای وسایل نیز گویند دعای است
بغایت جلیل القدر و عظیم الفایده چه شک را در درستی و صحت آن
راه نیست از این جهت که سوای طلب شفاعت از حضرات ائمهٔ

معصومین

معصومین علیهم السلام و از برای انجاح حاجت چیزی بر زبان نمی آید و سایر علمای
شیعه رضوان الله چون ابن بابویه و سید مرتضی و خواجه نصیر محمد طوسی
و شیخ جمال عماد الملة والدین والعلامة الحلی و تقی الدین کفعمی و امیر محمد باقر
داماد الحسینی باتفاق آورده اند که هر کس این دعا را با اعتقاد درست
بخواند هنوز از جا نجنبیده باشد که خدای عز و جل اجابت کرده
و حقیر المحتاج الی رحمة ربه المستیب حسن بن عبد المطلب اصفهانی
که راوی این دعا است چنین گوید که هر کس خواهد که بختم این دعا
شروع نماید باید که در دو هفته دست تمسک در عروة الوثقی این
ورد شریف زند و در یکهفته یازده مرتبه بخواند و در یکهفته نه
مرتبه بخواند آنگاه هر روز یکمرتبه بخواند که باعث سعادت دین و دنیاست
و اگر او را ضروری پیش آید که هر دو ختم را نتواند بجا آورد هر کدام را
خواهد اختیار کند و بهتر نوع آخر است چون ضروری باشد و چون
از این دعا بهره برد این نکته را فراموش نکند که بجد بسیار نزد
استادان متین او را تصحیح نموده طریقهٔ ختم او را تحقیق کرده ام
و میان من و خدای تعالی حجت است که هر که باین ختم مداومت
نماید با اعتقاد خالص و یقین درست هر حاجت که باشد از امور
دنیا و آخرت بر آورده بخیر گردد و از خدای عز و جل چشم دارم آن را
که در عاجل و آجل پاداش نیکو انعام نماید و بعضی از عزیزان که ایشان را
وفور اعتقاد در حق داعی بود و دعای مستجاب ایشان دعاگو
طلب کردند بدین ختم مامور شده حسب المدعای خود بمطلب رسیدند
و مداومت کننده را لازم است که در هر نوبت دعای اعتصام
و اختتام بخواند

طریقه ختم یا من تحمل بدین نحو مداومت نماید تا سیزده روز روز اول
یکمرتبه روز دوم سه مرتبه روز سیم پنج مرتبه روز چهارم هفت مرتبه
روز پنجم نه مرتبه روز ششم یازده مرتبه روز هفتم سیزده مرتبه
روز هشتم پانزده مرتبه روز نهم هفده مرتبه روز دهم نوزده مرتبه
روز یازدهم بیست و یکمرتبه روز دوازدهم بیست و سه مرتبه روز سیزدهم
بیست و پنج مرتبه مداومت نماید و اگر در مرتبه اول بعمل آید فبها
والا باز شروع در مداومت نماید تا سه مرتبه و در روزیکه شروع نماید
یکشنبه باشد بعد از نماز صبح و این آیه مبارکه را هر روز صد مرتبه
در یک مجلس مداومت نماید و آیه این است ذلک فضل الله
یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم و هزار مرتبه این
اسم را بخواند یا خیر الفاتحین ختم دیگر دعای مزبور که در روز
یکشنبه قبل از طلوع صبح ابتدا نماید هر روز ده مرتبه بخواند
که مجموع صد مرتبه خوانده شود هر روز در وقت شروع ده مرتبه
صلوات فرستد و چهل مرتبه یا الله بیکنفس گفته شود شروع نماید
بعد از آن بهر یا رب که رسد چندان تکرار کند که نفس تنگ شود
بعد از آن بسجده رفته مطلب خود را عرض نماید و سر برداشته
تتمه را تمام بخواند بعد از آن هر ده مرتبه با نیم خوانده
شود و چهل مرتبه یا الله بیکنفس بگوید و بسجده رود و بیست
و یکبار یا ذا الجلال والاکرام بیکنفس بگوید مطلب عرض نماید
که باجابت مقرونست و اگر قبل از ختم مطلب حاصل شود شرط است
که ختم را تمام نماید تمام شد

ذکر آن چیزی است که اخبار میکنم او را از دعا که اختصاص با آقای ما
مهدی علیه السلام دارد و از او صلوات الله علیه روایت جداگانه است
پس بعضی از این دعای است معروف به دعای علوی مصری برای
هر حادثه شدیده و نازله عظیمه خبر داد بما ابو الحسن علی بن عماد
مصری گفت حدیث کرد بمن ابو عبدالله الحسین علوی بن محمد
العلوی گفت حدیث کرد بمن محمد بن علی علوی الحسینی المصری
گفت خبر داد بمن محمد بن علی که رسید بمن اندوه شدید و سخت و نازله
شدید الخطر شد کار بزرگی از طرف مردی از اهل شهر من که از جمله
پادشاهان آن شهر بود پس ترسیدم از او ترسیدنی که امید نداشتم برای
خود خلاص شدن از آن پس قصد کردم مشهد آقاهای خود و پدران
خود صلوات الله علیهم در حایر در حالتی که متوسل بودم بایشان
و پناه جوینده بودم بقبر و نزدیکی ایشان و طالب جوار و همسایگی
بودم از جمله سطوت بزرگ آن شخصی که از او ترسان بودم و منزل
کردم در آنجا مدت پانزده شب دعا میکردم و تضرع مینمودم
پس ظاهر شد بمن قائم زمان و ولی رحمن بر او و بر پدران او باد
افضل تحیة و رحمت پس آمد بمن در حالتی که من مابین خواب
و بیداری بودم گفت ای پسر من ترسیدی از فلان پس گفتم
آری اراده من کرد چنان و چنان پس التجا بردم بسوی آقای
خود علیه السلام در حالتی که گله و شکایت میکنم بسوی ایشان تا مرا
از او خلاص نمایند پس گفت باید بخوانی خدا را که پروردگار تو
و پروردگار پدران تست بدعاهای که دعا کردند با آنها پدران

بدران من که ایشان عبارت از پیغمبران باشند صلوات الله علیهم در آنوقتی
که بودند در شدت پس از این کرد خدا تعالی از ایشان آن شدت را پس گفتم
بچه چیز خدا را بآن خواندند تا بخوانم خدا را بآن آنحضرت فرمود وقتیکه
میشود شب جمعه پس برخیز و غسل کن و نمازهای خود را بگذار پس وقتیکه از سجده
شکر فارغ شوی پس بگو که نشسته باشی برو زانو و دعا کنی باین دعا بتضرع گفت
محمد گفت که میامد آن جناب بمن پنجشنبه و پی مکرر کرد بمن فرمایش
خود و این دعا را تا اینکه حفظ کردم آنرا و بریده شد آمدن آنحضرت
شب جمعه یعنی آن شب شریف بیاورد پس برخواستم و غسل کردم و عوض
کردم رختهای خود را و بر خود عطر مالیدم و خوشبوی خود نمودم و نماز
گذاردم آنقدر که واجب کرده بودم بر خود از نماز شب و نشستم بر دو زانو
و خواندم خدای عز و جل را باین دعا پس آمد آنحضرت بمن شب شنبه
مانند آن هیئتی که میامد بمن در آن هیئت پس آن جناب گفت
که براستی دعای تو مستجاب شد یا محمد و دشمن تو کشته گردید
و هلاک کرد او را خدای عز و جل وقت فارغ شدن تو از دعا محمد
گفت پس وقتیکه صبح کردم نبود بمن که قصد و اراده مگر وداع
آقاهای خود صلوات الله علیهم و کوچ نمودن بسوی منزلی که گریخته
بودم از آن پس وقتیکه رسیدم بقدری از راه ناگاه قاصد و کتابتهای
اولاد خود بمن برسید در خصوص آنکه از شخصی که از او گریخته بودی
جمع نمود طایفه را و آنها را مهمان نمود پس خوردند و آشامیدند
و پراکنده شدند بمنزلهای خودشان و خوابید آن مرد و غلامان او

در هما جا

در هما جا پس صبح کردند مردم و نشنیدند صدای آن مرد را پس پرده
از روی او برداشتند ناگاه او را سر بریده دیدند از پس گردنش
و خون او جاری میشد و این واقعه در شب جمعه واقع شده بود
و نمیدانستند که سر او را که بریده است و امر کرده بودند اولاد از آن
قاصد بسرعت نمودن بسوی منزل خود و چون بمنزل خود رسیده
سؤال نمودم از آن واقعه که در کدام وقت واقع شده بود پس ناگاه
آن در وقت فارغ شدن من از دعا بود و بخوان پیش از دعای
علوی مصری سوره حمد را یکبار و سوره قل اعوذ را و سوره آیة
الکرسی را تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلناه و آیات پنج
از سوره آل عمران و آیات تا اینست ان فی خلق السموات تا آخر
و بعد از آن بخوان دعا را دعای معروف بعلوی مصری

بسم الله الرحمن الرحیم

رَبِّ مَنِ الَّذِی دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِی سَئَلَكَ
فَلَمْ تُعْطِهِ وَمَنْ ذَا الَّذِی نَاجَاكَ فَخَیَّبْتَهُ اَمْ مَنْ ذَا الَّذِی
تَقَرَّبَ اِلَیْكَ فَاَبْعَدْتَهُ رَبِّ هٰذَا فِرْعَوْنُ ذُو الْاَوْتَادِ
مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَادِّعَائِهِ الرُّبُوبِیَّةَ لِنَفْسِهِ
وَعِلْمِكَ اَنَّهُ لَا یَتُوبُ وَلَا یَرْجِعُ وَلَا یُؤْمِنُ وَلَا یَخْشَعُ وَلَا یَؤُوبُ
اِسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائَهُ وَاَعْطَیْتَهُ مُنَاهُ وَسُؤْلَهُ كَرَمًا
مِنْكَ وَجُودًا وَقِلَّةَ مِقْدَارٍ لِمَا سَئَلَكَ عِنْدَكَ مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ
[illegible: vertical marginal note]

فداً واعلیته

منك وجوداً وقلة مقدار لما سألك عندك مع عظيم
عنده أجلّ مجتاح عليه ذا كيل [illegible]مين فجر وكفر
واستطال على أقوامه وتجبّر بكفره وعليهم افتخر و
بظلمه لنفسه تكبّر في حلمك عنه استكبر فحلمت
على نفسه جراءة منه أن جزاء مثله أن يغرق
في اليم فجزيته بما حلم به على نفسه إلهي وأنا
عبدك وابن عبدك وابن أمتك معترف لك
بالعبودية مقرّ بأنك أنت الله لا إله إلا أنت
خالقي وحاجتي لا إله لي غيرك ولا رب لي
سواك مقرّ بأنك ربي وإليك إيابي عالم
بأنك على كل شيء قدير تفعل ما تشاء وتحكم
ما تريد لا معقب لحكمك ولا راد لقضائك
وأنك الأول والآخر والظاهر والباطن
لم تكن من شيء ولم تبن عن شيء كنت
قبل كل شيء وأنت الكائن بعد كل شيء

فكتب

والمكون

بقدرتك كل شيء

والمكون لكل شيء خلقت كلاً بتقدير وأنت السميع
البصير أشهد أنك كذلك كنت وتكون وأنت حي
قيوم لا تأخذك سنة ولا نوم ولا توصف بالأوهام
ولا تدركك الحواس ولا تقاس بالمقياس ولا
تشبه بالناس وأن الخلق كلهم عبيدك وإماؤك
وأنت الرب ونحن المربوبون وأنت الخالق ونحن
المخلوقون وأنت الرازق ونحن المرزوقون فلك
الحمد يا إلهي إذ خلقتني بشراً سوياً وجعلتني غنياً
مكفياً بعد ما كنت طفلاً صبياً تقوتني
من الثدي لبناً مريئاً وغذيتني بعد ذلك
غذاء طيباً هنيئاً وجعلتني ذكراً مثالاً سوياً
فلك الحمد حمداً إن عدّ لم يحص وإن وضع
لم يتسع له شيء حمداً يفوق على جميع حمد الحامدين
ويعلو على حمد كل شيء حمدك ويفخم ويعظم على

العليم

سائغاً

ذلك كله وكلما حمد الله شيء والحمد لله كما يحب الله
ان يحمد والحمد لله عدد ما خلق وزنة اجل ما خلق
وزنة اخف ما خلق وبعدد اصغر ما خلق والحمد
لله حتى يرضى ربنا وبعد الرضا واسئله ان يصلي
على محمد وال محمد وان يغفر لي ذنبي وان يحمد لي
امري ويتوب علي انه هو التواب الرحيم الهي
واني ادعوك واسئلك باسمك الذي دعاك
به صفوتك ابونا ادم عليه السلام وهو
مسيء ظالم حين اصاب الخطيئة فغفرت
له خطيئته وتبت عليه واستجبت دعوته
وكنت منه قريبا يا قريب اسئلك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تغفر لي خطيئتي
وان ترضى عني فان لم ترض عني فاعف
عني فاني مسيء ظالم خاطئ عاص فقد
يعفو السيد عن عبده وليس براض
عنه وان ترضي خلقك وتسقط عني

حقك

وما خلق وبعدد البر … ما خلق وزنة

حقك وتسقط عني حق خلقك الهي واسئلك
باسمك الذي دعاك به ادريس عليه السلام
فجعلته صديقا نبيا ورفعته مكانا عليا و
استجبت له دعائه وكنت منه قريبا يا قريب
ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل مآبي
الى جنتك ومحلي في رحمتك وتسكنني فيها
بعفوك وتزوجني من حورها بقدرتك
يا قدير يا قريب الهي واسئلك باسمك الذي
دعاك به نوح عليه السلام اذ نادى ربه اني
مغلوب فانتصر ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر
وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر
قد قدر ونجيناه على ذات الواح ودسر
فاستجبت له دعائه وكنت منه قريبا يا قريب
ان تصلي على محمد وال محمد وان تنجيني من
ظلم من يريد ظلمي وتكف عني بأس من يريد
هضمي وتكفيني شر كل سلطان جائر وعدو

ظاهرٍ ومستخفٍ مسيءٍ فاجرٍ وجبارٍ عنيدٍ وكلِّ
شيطانٍ مريدٍ وانسيٍّ شديدٍ وكيدِ كائدٍ مكيدٍ
يا حليم يا ودود الهي واسئلك باسمك الذي
دعاك به عبدك ونبيك صالح عليه السلام
فنجيته من الخسف واعليته على اعدوه وا
استجبت دعائه وكنت منه قريبا يا قريب ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تخلصني من شر
ما يريد بي اعدائي به وتبغي لي حسادي
فتكفيهم بكفايتك وتتولاني بولايتك
وتهدي قلبي بهداك وتؤيدني بتقواك
وتنصرني بما فيه رضاك وتغنيني بغناك
يا حليم يا ودود الهي واسئلك باسمك الذي
دعاك به عبدك ونبيك وخليلك ابراهيم
عليه السلام حين اراد نمرود القائه في النار
فجعلت النار عليه بردا وسلاما واستجبت
له دعائه رحمة منك وكنت منه قريبا

يا قريب

يا قريب ان تصلي على محمد وآل محمد وان تبرد عني حر نارك
وتطفي عني لهبها وتكفيني حرها وان تجعل نائرة
اعدائي في شعارهم ودثارهم وترد كيدهم
في نحورهم وتبارك لي فيما اعطيتني كما باركت
عليه وعلى آله انك انت الوهاب الحميد المجيد
الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به اسمعيل
عليه السلام فجعلته نبيا ورسولا وجعلت
له حرمك منسكا ومسكنا ومأوى واستجبت
دعائه رحمة منك وكنت منه قريبا يا قريب
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفسح لي
في قبري وتحط عني وزري وتشد لي ازري
وتغفر لي ذنبي وترزقني التوبة بحط السيئات
وتضاعف الحسنات وكشف البليات وربح
التجارات ودفع معرة السعايات انك
مجيب الدعوات ومنزل البركات وقاضي

الحاجات ومعطي الخيرات وجبار السموات الهي اسألك
بما سألك به اسمعيل بن خليلك الذي نجيته من الذبح
وفديته بذبح عظيم وقلبت له المشقص حتى ناداك ناجاك خ ل
موقنا بذبحه راضيا بامر الله فاستجبت له دعائه
وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تنجيني من كل سوء وبلية وتصرف عني كل ظلمة وحيلة خ ل
وخيمة وتكفيني ما اهمني وما لم يهمني من امر
ديني ودنياي وآخرتي وما احاذره واخشاه
من شر خلقك اجمعين بحق آل طه ويس الهي
واسألك باسمك الذي دعاك به لوط عليه
السلام فنجيته واهله من الخسف والهدم
والمثلات والشدة والجهد واخرجته واهله
من الكرب العظيم فاستجبت له دعائه وكنت
منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تأذن لي بجميع ما شتت من

ما شتت من شملي وتقر عيني بولدي واهلي ومالي
وتصلح لي اموري وتبارك لي في جميع احوالي
وتبلغني في نفسي آمالي وتجيرني من النار
وتكفيني شر الاشرار بالمصطفين الاخيار
الائمة الابرار ونور الانوار محمد وآله
الطيبين الطاهرين الاخيار الائمة
المهديين والصفوة المنتجبين صلوات الله
على محمد وعليهم اجمعين وترزقني
مجالستهم وتمن علي بمرافقتهم
وتوفق لي صحبتهم مع انبيائك المرسلين
وملائكتك المقربين وعبادك الصالحين
واهل طاعتك اجمعين وحملة عرشك

فالكروبتين الهي فاسئلك باسمك الذي سئلك به
يعقوب نبيك عليه السلام وقد كف بصره وشتت
شمله وفقد قرة عينيه ابنه فاستجبت له دعائه
وجمعت شمله واقررت عينيه وكشفت ضره
وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال
محمد وان تاذن لي بجمع ما تبدد من امري
وتقر عيني بولدي واهلي ومالي وتصلح لي
شاني كله وتبارك لي في جميع احوالي
وتبلغني امالي وتصلح افعالي وتمن
علي يا ذا المعالي برحمتك يا ارحم الراحمين
الهي فاسئلك باسمك الذي دعاك
به عبدك ونبيك يوسف عليه السلام
وسئلك فاستجبت له ونجيته من

غيابت

من غيابت الجب وكشفت ضره وكفيته كيد
اخوته وجعلته بعد العبودية ملكا وله
دعائه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على
محمد وال محمد وان تدفع عني كيد كل
كائد وشر كل حاسد انك على كل شيء
قدير الهي واسئلك باسمك الذي دعاك — خ ل
به عبدك ونبيك موسى بن عمران عليه — اذ سئلك
السلام اذ قلت تباركت وتعاليت وناديناه
من جانب الطور الايمن وقربناه نجيا — خ ل
وضربت له طريقا في البحر يبسا ونجيته ومن — معه
تبعه من بني اسرائيل واغرقت فرعون
وهامان وجنودهما واستجبت له دعائه

وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد
وان تعيذني من شر خلقك وتقربني من
عفوك وتنشر علي من فضلك ما تغنيني
به عن جميع خلقك ويكون لي بلاغا انال
به مغفرتك ورضوانك يا ولي المؤمنين
الهي اسألك باسمك الذي دعاك به
عبدك ونبيك داود عليه السلام فاستجبت
له دعاءه وسخرت له الجبال يسبحن معه
بالعشي والابكار والطير محشورة كل
له اواب وشددت ملكه واتيته
الحكمة وفصل الخطاب والنت له الحديد
وعلمته صنعة لبوس لهم وغفرت

ذنبه

اسألك
ذنبه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على
محمد وال محمد وان تسخر لي جميع اموري
وتسهل لي تقديري وترزقني مغفرتك
معرفتك
وعبادتك وتدفع عني ظلم الظالمين
وكيد الكائدين ومكر الماكرين و
سطوات الفراعنة والجبارين وحسد
الحاسدين يا امان الخائفين وجار
المستجيرين وذخر المؤمنين وثقة الواثقين
ورجاء المتوكلين ومعتمد الصالحين يا ارحم
الراحمين الهي واسألك باسمك الذي دعاك
به عبدك ونبيك ورسولك سليمان بن داود

عليهما السلام إذ قال رب اغفر لي وهب لي
ملكا لا ينبغي لأحد من بعدي إنك أنت
الوهاب فاستجبت له دعائه وأطعت له
الخلق وحملته على الريح وعلمته منطق
الطير وسخرت له الشياطين من كل بناء و
غواص وآخرين مقرنين في الأصفاد هذا
عطاؤك لا عطاء غيرك وكنت منه قريبا يا
قريب أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد
وأن تهدي لي قلبي وتجمع لي لبي وتكفيني
همي وتؤمن خوفي وتفك أسري وتشد
أزري وتمهلني وتنفسني وتستجيب دعائي

وتسمع

وتسمع ندائي ولا تجعل في النار مثواي ولا تجعل
الدنيا أكبر همي وأن توسع علي في رزقي وتحسن
خلقي وتعتق رقبتي من النار فإنك سيدي ومولاي
ومتوكلي
ومؤملي إلهي وأسألك باسمك الذي دعاك به
أيوب عليه السلام لما حل به من البلاء بعد الصحة
ونزل السقم منه منزل العافية والضيق بعد
السعة والقدرة فكشفت ضره ورددت عليه
أهله ومثلهم معهم حين ناداك داعيا لك
وراغبا إليك راجيا لفضلك شاكيا إليك رب
إني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين فاستجبت له
دعائه وكشفت ضره وكنت منه قريبا يا قريب

اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ
ضُرِّي وَاَنْ تُعَافِيَنِي فِي نَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي
وَاِخْوَانِي فِيكَ عَافِيَةً بَاقِيَةً كَافِيَةً وَافِيَةً وَافِرَةً
هَادِيَةً نَامِيَةً مُسْتَغْنِيَةً عَنِ الْاَطِبَّاءِ وَالْاَدْوِيَةِ
وَتَجْعَلَهَا شِعَارِي وَدِثَارِي وَتُمَتِّعَنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي
وَتَجْعَلَهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اِلٰهِي وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ
بْنُ مَتَّى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَطْنِ الْحُوتِ حِينَ نَادَاكَ
نَاجِيًا فِي ظُلُمَاتٍ ثَلٰثٍ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائَهُ وَاَنْبَتَّ عَلَيْهِ

شَجَرَةً

شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ وَاَرْسَلْتَهُ اِلَى مِائَةِ اَلْفٍ اَوْ
يَزِيدُونَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ اَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي
وَتَدَارَكْنِي بِعَفْوِكَ فَقَدْ غَرِقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ
لِنَفْسِي وَرَكِبَتْنِي مَظَالِمُ كَثِيرَةٌ لِخَلْقِكَ عَلَيَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتُرْنِي مِنْهُمْ
وَاَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ وَاجْعَلْنِي مِنْ عُتَقَائِكَ
وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ فِي مَقَامِي هٰذَا
بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ اِلٰهِي وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ

عليهما السلام إذا أيدته بروح القدس فأنطقته
في المهد فأحيى به الموتى وأبرئ به الأكمه
والأبرص بإذنك وخلق من الطين
كهيئة الطير فصار طائرا بإذنك وكنت
منه قريبا يا قريب أن تصلي على محمد وآل
محمد وأن تفرغني لما خلقتني له ولا
تشغلني بما قد تكفلت لي وأن تجعلني من
عبادك وزهادك وممن خلقته
للعافية فيها وهنأته بها مع كرامتك
يا كريم يا علي يا عظيم إلهي وأسألك باسمك الذي

دعاء بد

دعاك به آصف بن برخيا على عرش
ملكة سبأ فكان أقل من لحظ الطرف
حتى كان مصورا بين يديه فلما رأته
قيل أهكذا عرشك قالت كأنه هو
فاستجبت له دعائه وكنت منه قريبا
يا قريب أسألك أن تصلي على محمد وآل
محمد وأن تكفر عني سيئاتي وتقبل مني
حسناتي وتتوب علي وتغني فقري و
تجبر كسري وتحيي فؤادي بذكرك و
تحييني في عافية وتميتني في عافية

الهی واسئلك باسمك الذی دعاك به عبدك
ونبيك زكريا عليه السلام حين سئلك
داعيا راغبا راجيا لفضلك تقام في المحراب
ينادي نداء خفيا فقال رب هب لي
من لدنك وليا يرثني ويرث من
آل يعقوب واجعله رب رضيا
فوهبت له يحيى واستجبت له دعائه
وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تبقي لي اولادي
وان تمتعني بهم وتجعلني واياهم

مؤمنين

مؤمنين لك راغبين في ثوابك خائفين
من عقابك راجين لما عندك آيسين
لما عند غيرك حتى تحيينا حيوة طيبة
وتميتنا ميتة طيبة انك على كل شيء
قدير انك فعال لما تريد الهی واسئلك
باسمك الذی سألتك به امرأة فرعون
اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة
ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم
الظالمين فاستجبت لها دعائها وكنت
منها قريبا يا قريب اسئلك ان تصلي

على محمد وآل محمد وان تقر عيني بالنظر الى
جنتك واوليائك وو جهك الكريم و
اوليائك وتقربني بمحمد وآل محمد
وتؤنسني به وباله وبمصاحبتهم و
بمرافقتهم وبموافقتهم وتمكن لي فيها
وتنجيني من النار وما اعد لاهلها
من السلاسل والاغلال والاصفاد
والشدائد والانكال وانواع العذاب
بعفوك ياكريم الهى اسئلك باسمك
الذى دعتك به عبدتك وامتك

وصديقتك

وصديقتك مريم البتول ام المسيح الرسول
عليهما السلام اذ قلت ومريم ابنت عمران
التي احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا
وصدقت بكلمات ربها وكتبه وكانت
من القانتين فاستجبت لها دعائها وكنت
منها قريبا ياقريب ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تحصنني بحصنك الحصين و
تحجبني بحجابك المنيع وتحرزني بحرزك
الوثيق وتكفيني بكفايتك الكافية من شر

كل طاغ وبغي كل باغ وظلم كل ظالم ومكر كل ماكر
وغدر كل غادر وسحر كل ساحر وجور كل
جائر ومن شر كل سلطان وشيطان وفاجر فاجرني
بمنعك يا منيع وأسئلك باسمك الذي
دعاك به عبدك ونبيك وصفيك
وخيرتك من خلقك وأمينك على و
حيك ورسولك إلى خلقك وبعيثك
إلى بريتك محمد رسولك وخاصتك
وخالصتك وصلى الله عليه وآله فاستجبت
له دعائه وأيدته بجنود لم تروها

وجعلته

وجعلته كلمتك العليا وكلمة الذين كفروا
السفلى فكنت منه قريبا يا قريب أن تصلي على
محمد وآل محمد صلوة ذاكية طيبة نامية
باقية مباركة كما صليت على أبينا إبرهيم
وآل إبرهيم وتبارك عليهم كما باركت
عليه وتسلم عليهم كما سلمت عليه وزدهم
فوق ذلك كلمة زيادة من عندك و
اخلطني بهم واجعلني منهم واحشرني معهم
وفي زمرتهم حتى تسقيني من حوضهم
وتدخلني في جملتهم وتجمعني وإياهم وتقر
عيني بهم وتعطيني سؤلي وتبلغني آمالي

فى دينى ودنياى وآخرتى ومحياى ومماتى
وتبلغهم سلامى وترد على منهم السلام
وعليهم السلام ورحمة الله وبركاته الهى
انت الذى تنادى فى انصاف كل ليلة
هل من سائل فأعطيه سؤله أم
هل من داع فأجيبه أم هل مستغفر
فأغفره أم هل من راج فأبلغه رجاه
أم هل من مؤمل فأبلغه امله ها انا
سائلك بفنائك ومسكينك ببابك
وضعيفك ببابك وفقيرك ومؤملك
بفنائك أسألك نائلك وأرجوا برحمتك
وأؤمل عفوك وألتمس غفرانك فصل على

محمد

محمد ذا الحمد وأعطنى سؤلى وبلغنى املى
واجبر فقرى وارحم عصيانى واعف عنى
ذنوبى وتجاوز عن سيئاتى وفك رقبتى
من مظالم عبادك قد ركبتنى وقو ضعفى واعن
واعز مسكنتى وثبت وطأتى واغفر جرمى
وانعم بالى واكثر من الحلال مالى وخر لى فى
جميع امورى وافعالى واحوالى ورضنى بها
وارحمنى ووالدى وما ولدا وما ولدت وما
توالدوا من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين
والمسلمات الاحياء منهم والاموات انك
سميع الدعوات وألهمنى من برهما ما استحق
به ثوابك والجنة وتقبل حسناتهما واغفر
سيئاتهما واجزهما بأحسن ما فعلا بى ثوابك
والجنة الهى قد علمت يقينا انك لا تأمر

با

بالظلم ولا ترضاه ولا تميل إليه ولا تهواه
ولا تحبّه ولا تغشاه وتعلم ما فيه هؤلاء القوم
من ظلم عبادك وبغيهم علينا وتعدّيهم
بغير حقّ ولا معروف بل ظلماً وعدواناً وزوراً
وبهتاناً ولكنك جعلت لهم مدّة لا بدّ من
بلوغها وكتبت لهم آجالاً ينالونها فقد
قلت وقولك الحقّ ووعدك الصدق
يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده أمّ الكتاب
فانا أسئلك بكلّ ما سئلك به أنبياؤك
قد سئلك المرسلون فانا أسئلك بما سئلك
به عبادك الصالحون وملائكتك المقربون
أن تمحو من أمّ الكتاب وتكتب لهم الاضمحلال
والمحو حتّى تقرب آجالهم وتقضي مدّتهم
وتذهب أيّامهم وتبتر أعمارهم وتهلك

فجارهم

فجارهم وتسلّط بعضهم على بعض حتّى لا تبقي
منهم أحداً وتفرّق جموعهم وتكلّ سلاحهم
وتبدّد شملهم وتقطع آجالهم وتقصر أعمارهم
وتزلزل أقدامهم وتطهّر بلادك منهم
وتظهر عبادك عليهم فقد غيّروا سنّتك
ونقضوا عهدك وهتكوا حرمك وأتوا
ل ع ما نهيتهم عنه وعتوا عتوّاً كبيراً وضلّوا
وأذن ضلالاً بعيداً فصلّ على محمّد وآل محمّد وأذن
لجمعهم بالشتات ولحيّهم بالممات ولأزواجهم
بالنهبات وخلّص عبادك من ظلمهم واقبض
أيديهم عن هضمهم وطهّر أرضك
منهم وأذن بحصد نباتهم واستئصال
شأفتهم وشتات شملهم وهدم بنيانهم
يا ذا الجلال والإكرام وأسئلك يا إلهي وإله
كلّ شيء ومحتجب عن كلّ شيء وأدعوك

بما دعاك عبدك ورسولك ونبيك و
صفيك موسى وهرون عليهما السلام حين
قالا داعيين لك راجين لفضلك راضين
بفضائلك ربنا انك اتيت فرعون وملأه
زينة واموالا في الحيوة الدنيا ربنا ليضلوا
عن سبيلك ربنا اطمس على اموالهم واشدد
على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب
الاليم فمننت وانعمت عليهما بالاجابة
لهما الى ان قرعت سمعهما بامرك اللهم
فقلت رب قد اجيبت دعوتكما فاستقيما
ولا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون ان
تصلي على محمد وال محمد وان تطمس على
اموال هؤلاء الظلمة وان تشدد على
قلوبهم وان تخسف بهم ارضك ولا

تغرقهم

تغرقهم في بحرك فان السموات والارض
وما فيهما وادا الخلق قدرتك فيهم وتسلطك
عليهم فافعل ذلك بهم وعجل ذلك لهم
يا خير من سئل وخير من دعي وخير من
تذللت له الوجوه ورفعت اليه الايدي ودعي
بالالسن وشخصت اليه الابصار وامت اليه
القلوب ونقلت اليه الاقدام وتحوكم اليه
في الاعمال الهي فانا اسئلك من اسمائك
بابهاها وكل اسمائك بهية بل باسمائك
كلها ان تصلي على محمد وال محمد وان تركسهم
على ام رؤسهم في زبيتهم وتردهم
في مهوى حفرتهم وارمهم بحجرهم وذكهم
بمشاقصهم واكببهم على مناخرهم واخنقهم
بوترهم واردد كيدهم في نحورهم واوبقهم

بل اسئلك

بندامتهم حتى يستخذلوا ويتضائلوا بعد نخوتهم
ويخشعوا بعد استطالتهم اذ كانوا مأسورين
في ربق حبائلهم التي كانوا يؤملون ان يرونا
فيها وترينا قدرتك فيهم وسلطانك عليهم
فتاخذهم اخذ القرى وهي ظالمة ان اخذك
الاليم الشديد وتاخذهم يا رب اخذ عزيز
مقتدر فانك عزيز قدير شديد العقاب
شديد المحال اللهم صل على محمد وال محمد
وعجل ايرادهم عذابك الذي اعددته
للظالمين من امثالهم والطاغين من
نظرائهم وارفع حلمك عنهم واحلل
عليهم غضبك الذي لا يقوم له شيء

وامر

وامر في تعجيل ذلك عليهم بامرك الذي
لا يرد ولا يؤخر فانك شاهد كل نجوى
وعالم كل فحوى ولا يخفى عليك من
اعمالهم خافية فلا تذهب عنك من
افعالهم خائنة وانت علام الغيوب
عالم بما في الضمائر والقلوب فاسئلك
اللهم واناديك سيدي بما ناداك به
وسئلك به نوح عليه السلام اذ قلت
تباركت وتعاليت ولقد نادانا نوح
فنعم المدعو ونعم المسئول ونعم المعطي
انت الذي لا تخيب سائلك ولا ترد

راجيك ولا تطرد الملح عن بابك ولا
ترد دعاء سائلك ولا تمل دعاء
من أملك ولا تبرم بكثرة حوائجهم
لديك ولا بقضائها لهم عليك فإن
قضاء حوائج جميع خلقك إليك في أسرع
لحظة الطرف وأخف عليك وأهون
عندك من جناح بعوضة وحاجتي إليك
يا سيدي ومولاي ومعتمدي ورجائي
أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لي
ذنبي فقد جئتك ثقيل الظهر بعظيم ما
بارزتك به من سيئاتي وركبني

من مظالم

من مظالم عبادك ما لا يكفيني ولا يخلصني
منها غيرك ولا يقدر عليه ولا
يملكه سواك صل على محمد وآل محمد
وامح كثرة سيئاتي بيسير عبراتي ل بغشم
بل بقساوة قلبي وجمود عيني لا بل
برحمتك التي وسعت كل شيء وأنا
أقل شيء فلتسعني رحمتك يا رحمن
يا رحيم يا أرحم الراحمين ولا
تمتحني في هذه الدنيا بشيء من المحن
ولا تسلط علي من لا يرحمني ولا
تهلكني بذنوبي وعجل خلاصي

من كل مكروه وادفع عني شر كل ظالم ولا
تهتك ستري ولا تفضحني يوم جمعك
الخلائق للحساب يا جزيل العطاء و
الثواب أسألك أن تصلي على محمد
وآل محمد وأن تحييني حياة السعداء
وتميتني ميتة الشهداء وتقبلني
قبول الأوداء وتحفظني في هذه
الدنيا الدنية من شر سلاطينها
وفجارها وشرارها ومحبيها
والعاملين لها وفيها وقني شر
طغاتها وحسادها وباغي الشر
فيها حتى تكفيني مكر المكرة وتفقأ
عني

وتفقأ عني عين الكفرة وتفحم عني ألسن
الفجرة وتقبض لي أيدي الظلمة وتوهن
عني كيدهم وتميتهم بغيظهم وتشغلهم
بأسماعهم وأبصارهم وأفئدتهم و
تجعلني من ذلك كله في أمنك وأمانك
وحرزك وسلطانك وحجتك وحجابك
وكنفك وعياذك وجوارك ومن
جار السوء إنك على كل شيء قدير
إن وليي الله الذي نزل الكتاب
وهو يتولى الصالحين اللهم بك أعوذ
وبك ألوذ ولك أعبد وإياك أرجو
وبك أستغيث وبك أستنجد ومنك
أسألك فصل على محمد وآل محمد ولا تردني

الا بذنب مغفور وسعي مشكور وتجارة
لن تبور ولن تفعل بي ما انت اهله
فانك اهل التقوى واهل المغفرة
واهل الفضل والرحمة واهل القوة
والقدرة الهي وقد اطلت دعائي
واكثرت خطاي وضيق صدري
حداني على ذلك كله وحملني عليه
علما مني بانه يجزيك منه قدر
الملح في العجين بل يكفيك عزم ارادة
ان يقول العبد بنية صادقة ولسان
صادق يا رب فتكون عند ظن عبدك
وقد ناجاك بعزم الارادة قلبي فاسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تقرن
دعائي بالاجابة منك وتبلغني منك

دل فيه

ما املته فيك منة منك وطولا وحولا وقوة
ولا تقيمني من مقامي هذا الا بقضاء جميع
ما سئلتك فانه عليك يسير وخطره عندي
جليل كثير وانت عليه قدير يا سميع يا بصير
الهي فهذا مقام العائذ بك من النار
والهارب منك اليك والتائب من ذنوب
تهجمته
دل ٢٤ نظرة
تهجمته وعيوب فضحته فصل على محمد
وال محمد وانظر الي نظرة افوز بها
الى جنتك واعطف علي عطفة انجو
بها من عقابك فان الجنة والنار
لك وبيدك مفاتيحهما ومغاليقهما
اليك وانت على ذلك قدير وهو عليك
هين يسير وافعل بي ما سئلتك يا قدير
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
پس سجده کند وطلب حاجت کرده الحاح نماید
وبگوید وحسبنا الله ونعم الوكيل والحمد
لله رب العالمين وصلى الله على سيد
الانبياء وخير الاولياء وافضل الاصفياء
واعلى الاذكياء واكمل الاتقياء

ارسله بالحق بشیرا ونذیرا وداعیا الی الله باذنه وسراجا
منیرا محمد المصطفی وآله مفاتیح اسرار العلی ومصابیح
انوار التقی والسلام علی من اتبع الهدی وصل علی
جمیع الانبیاء والمرسلین وعلی اهل طاعتک اجمعین
من اهل السموات والارضین واخصص محمدا
بافضل الصلوات والتسلیم اللهم ارحمنا فیهم
واغفر لنا معهم برحمتک یا ارحم الراحمین

روایت شده از طاهر بن محمد واو از تمیم ثقفی واو از امیر المؤمنین
علیه السلام و آن جناب از جناب نبوی صلی الله علیه و آله و آن
جناب از جبرئیل علیه السلام که هر که بخواند این حرز را و [illegible]
باخود تا شر [illegible]
میشود از سحر و طلسم و از شر طغیان کننده و از چشم بد و از
بدکاره و عقرب و شیر و گرگ و عزایمها و خواننده این
حرز همیشه بقبول [illegible] چشمهای ایشان و همیشه
منقاد و مطیع او میباشند [illegible] عداوت و زبان بستی
و بستی خواب [illegible] هر که بخواند یکبار رحمت او را عطا میکند مرد
عبادت یکسال و هر که بخواند دو بار عطا میکند ثواب عبادت
دو سال و [illegible] و هر که بخواند در سالی یکبار نوشته [illegible]
گناهان خواننده در آن سال و هر که خواهد میان دو نفر
جدائی بیفتد [illegible] این حرز را یکبار
بر او بخواند و آن [illegible]
دو نفر دفع میکند جدال در میان این دو واقع میشود

روایت شده از طاهر بن محمد واو
روایت کرده از تمیم ثقفی واو از امیر المؤمنین
علیه السلام و آنحضرت از جناب نبوی صلی الله علیه و آله و آنحضرت
از جبرئیل علیه السلام که هر که بخواند این حرز را با خود نگه دارد [illegible]
[illegible] محفوظ باشد و خواننده این حرز [illegible]
[illegible] همیشه منقاد و مطیع او باشند [illegible]
[illegible] محبت و عداوت و زبان بستی و خواب بستی [illegible]
[illegible] جدائی افتد [illegible]
[illegible]

اگر در زندان بوده

و اسیر باشد [illegible] چهل و یکبار

تا خلاصی شود باذن خدا و هر که بخواند و قصد کند

بدولت خود بر کزیده [illegible] و هر کرا

قصد کند یا دل [illegible] هلاکت او [illegible] و بیوفتد رخنهای ظاهر و باطن

و بخواند حرز او یکبار و حاجی که [illegible] بر دو دیگر سلطان [illegible] قتله

و برو [illegible] بکوید یا حی یا قیوم [illegible] محفوظ باشد از کشته شدن و [illegible]

روح او از فتنه و تلف بفضل خدا و هر که [illegible] او در رکعت

نماز بکذارد و بخواند در رکعت اول بعد از حمد سوره و الشمس [illegible] بعد از حمد و الضحی

و اللیل [illegible] را یکبار [illegible] بخواند این حرز [illegible] بر طهارت [illegible] در خواب بسم الله [illegible]

و هر که بر [illegible] ضروری [illegible] بخواند این حرز [illegible] جمعه [illegible] نماز [illegible] عالم فهو حسبه

و بخواند در آن بعد از حمد و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه

ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا [illegible] بخواند این حرز [illegible] بر طهارت

دنیا که می بیند [illegible] در خواب [illegible] بخواند این حرز [illegible] آن [illegible]

و هر که [illegible] باو این حرز [illegible] احتیاج [illegible] و طالب کلاه و [illegible]

هیبت او در قلبها [illegible] باشد [illegible] این حرز بود در حقه

بخواند که [illegible] دهان [illegible] بخواند [illegible] دهانه [illegible]

کران [illegible] و معطر [illegible] و [illegible] بود [illegible] و میکذارد

[illegible] بروی حرز و [illegible] الشفیع الدافع

[illegible] کفایت [illegible] ضروری [illegible]

و [illegible] مراد او [illegible]

[illegible] بخواند

[illegible]anesi
Süley[illegible]
Kısı[illegible] Hacı Mahmud ef.
4089
Yeni
Esk